

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

نیز بنیادهای فکری از پرداختن بدان دریغ نورزیده‌اند، و در هیچ عصری انسان از اندیشیدن در اصول و قواعد و نحوه‌ی استحکام بخشیدن به ارکانش بی نیاز نبوده است؛ بلکه از نخستین روزهای حضورش بر عرصه خاک و با بروز اولین نمودهای خرد و اندیشه، و شکوفایی شکوفه‌های تأمل و تدبیر بر شاخسار حیات اجتماعی او، و نیز با ظهور اولین بارقه‌های توجه به بقای نسل و پاسخگویی به نیازهای عاطفی و فطری و طبیعی، بر این انگیزه همت ورزیده که در تشکیل اولین هسته نظام اجتماعی خویش چاره‌ای نماید، و از اصول و قوانین حساب شده‌ای در حفظ و حراست آن بهره جوید، و همواره بخش عمده‌ای از اشتغالات فکری او به سامان بخشیدن این بخش اختصاص یافته است.

### خانواده در ادیان الهی

لیکن با وقوع انقلابهای عظیم الهی توسط پیام‌آوران قسط و عدل و بنیانگذاران مکاتب وحی که زمینه ساز تمدنهای بشری و تحولات اساسی در نظامهای اجتماعی بوده‌اند، و عمدتاً مبنای

از جمله نشانه‌های تدبیر و حکمت آن قادر حکیم، و از بارزترین آیت‌های با عظمت آن کردگار کسرم، و از ظاهرترین مظاهر قانونمندی تحت سیطره آن مدبر علیم، تجلی و ظهور قدرت او در شکل دادن به شاکله‌ی نفوس، و نیز نظام بخشیدن بی‌قرینش در تنظیم صنوف، و قوام دادن بی‌رقیبش در تقویم امور مربوط به بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی بشر، یعنی خانواده است.

او که خانواده را بهترین مأمن زاده‌ی انسان، و کانون گرم آن را منشأ سکون و اطمینان، و روابط حاکم بر آن را پایه مودت و رحمت در سایه ایمان مقرر فرمود، و بنای زندگی بشر را در پایه پیمانی مقدس، با برخورداری از صفای دل و صمیمیت، و با بهره‌گیری از قوانین کامل شریعت، و در راستای پاسخگویی به ندای فطرت بنا نمود.

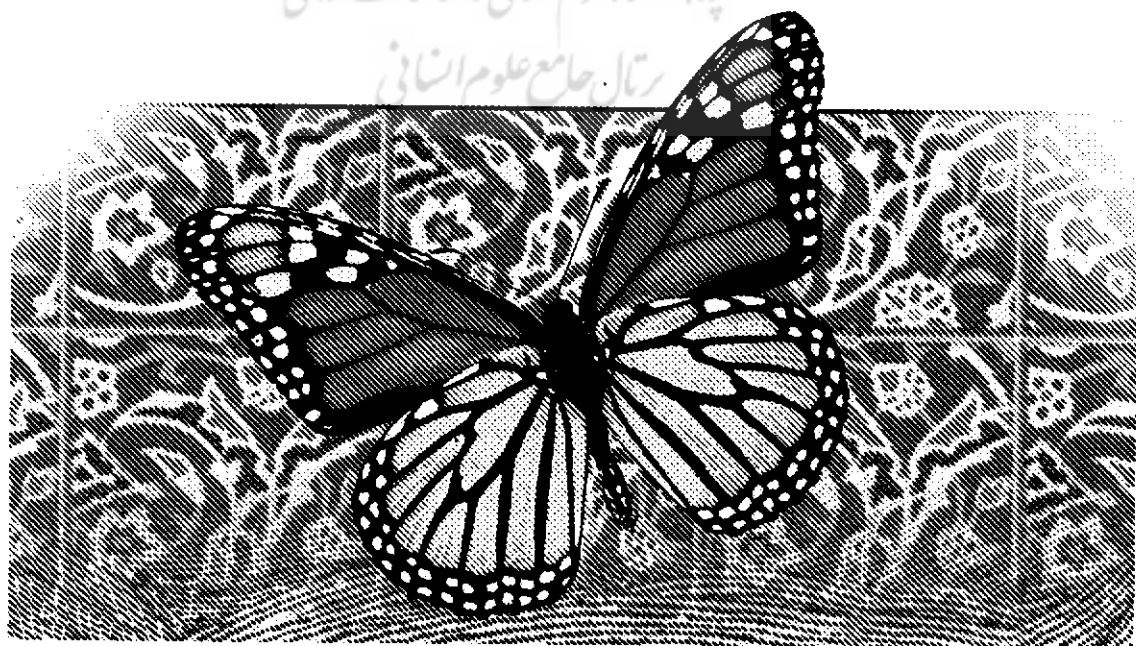
اهمیت خانواده و محوریت آن در شکل‌گیری زندگی اجتماعی بشر، همواره به گونه‌ای بوده است که هیچ یک از مکاتب سیاسی، اجتماعی، فلسفی و

# تأکید بر اخلاق تلطیف در حقوق دو ضرورت ناگسستنی در خانواده

دعوتشان، در راستای تحقق عدالت اجتماعی، و زدودن هرگونه سَلطه و زورمداری از ساحت زندگی فردی و اجتماعی، بشر استوار می‌گردید، روابط درونی خانواده شکلی قانونمند و مقدس و منطبق با نظام تکوین و فطرت بشری به خود گرفت و خانواده هویتی اصیل و نقش محوری در عروج انسان به سوی کمالات پیدا کرد، و پایگاهی برای رشد و بالندگی و صعود او به قله‌های کمال گردید، که در آن، اساس زندگی را، حق محوری تشکیل می‌داد، و هر گونه خودنگری و خودخواهی رنگ می‌باخت، تمایلات فردی جای خود را به انعطاف و پذیرش و تمکین در برابر قانون کامل الهی می‌داد، انوار توحید و چراغ ایمان و هدایت همه ابعاد زندگی را مشتعل می‌ساخت و رنگها در مقابل بارقه عشق به خدا به بیرنگی می‌گرایید، و در پرتو درخشش قانون حق، حیات طیبه رخ برمی‌نمود.

در چنین کانونی قلبها مصفا، عشقها بی‌پیرایه، جام جانها لبریز از مودت و رحمت، و انسانها، مظهر تجلی کمالات و آینه انعکاس صفات جمال و جلال حق می‌گردند. و پرورش یافتگان چنین منازل پیوسته منزلتی خاص در هستی می‌یابند. در این خانه‌ها همسویی طبیعت و شریعت به

اوج جلالت خود می‌رسد، و در عرصه عقل و اندیشه، حیرت می‌آفریند، عقول سلیم را به تسلیم می‌کشانند، پرده‌ها و حجابهای کدورت و ظلمت زدوده می‌شود، و ملک و ملکوت در کنار هم، مسرور بر سر سفره کرامت پروردگار متنعم می‌گردند، ملایک به سبب این همه اخلاص از سر صدق، و هماهنگی و اهلیت، سرود بشارت سر می‌دهند و بالهای خویش را به نشانه‌ی خشوع بر مقدم آنان می‌کشایند، چنانکه قرآن کریم نمود و تصویری گویا از این اوصاف را نسبت به بیت ابراهیم خلیل علیه السلام ترسیم می‌نماید. آنجا که فرستادگان پروردگار، میهمان این خانه، و ابراهیم علیه السلام و همسرش ساره، میزبان آنان می‌باشند، هر دو مورد خطاب ملکوتیان قرار می‌گیرند و حضور آنان را در خانه و محضر خویش با تمام وجود پذیرا می‌شوند، و آنقدر این میهمانی باشکوه برگزار می‌گردد که کردگار هستی شرح آن را در کلامش برای همه انسانها تا قیامت بازگو می‌کند: «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ...»<sup>(۱)</sup> ارمغان این میهمانان ملکوتی برای این زوج شایسته چیست، و بشارتشان به کدامین سبب است و ارائه سلام و



تهنیتشان بر آنان حامل کدامین تحفه و پیام حق است؟ بهتر است به زمزمه‌ی ملائیک گوش فرا دهید حتماً پاسخ خواهید یافت.

آنها پس از اذن ورود و تهنیت و سلام، ابراهیم را مخاطب قرار داده و با «بَشِّرْنَا هُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ»<sup>(۲)</sup> آرزوی دیرینه‌ی ابراهیم را برآورده می‌سازند و دعای همیشگی او را به اجابت می‌رسانند. به همسر شایسته‌ی او که در کمال تعجب و حیرت از این همه لطف و مرحمت الهی ایستاده و نظاره‌گر این بزم سرور و شادی است، ملائیک خطاب می‌کنند و رشته‌ی سخن را با این بانوی بزرگ آغاز و زمزمه «فَبَشِّرْنَا هَا بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ»<sup>(۳)</sup> سر می‌دهند، و اهلیت اهل این خانه را برای اعطای مواهب پی در پی الهی اعلام می‌دارند؛ و آنان را به شایستگی مورد مدح و ستایش قرار می‌دهند، و خانه را به سبب وجود ارزشها در اهل آن مهبط رحمت و برکات الهی

می‌خوانند؛ و به تعبیر قرآن کریم ندای «رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» را بر ساره ابلاغ می‌دارند. و رشته نبوت و رسالت و پیامبری تا وصول به پیامبر خاتم ادامه می‌یابد تا به جایی که ابراهیم، پدر امت اسلام معرفی می‌گردد. و اطاعت از کیش حنیف او، مبدأ رستگاری محسوب می‌گردد، و به هدایت و رستگاری این خانه، بیت‌های دیگر منشأ صلاح و فلاح می‌گردند، تا به بیت نبی اکرم و پیامبر خاتم می‌رسد که در شأن او «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>(۴)</sup> نازل می‌گردد.

براستی این همه عنایت چیست؟ و این همه برکات از کجا آغاز می‌گردد؟ و آیا در فرهنگهای غیر الهی از ابتدای خلقت تاکنون ذره‌ای از این مواهب به چشم می‌خورد؟ و از دامان آن مکاتب انسانهایی این چنین هرگز پا به عرصه هستی می‌گذارند؟ یا اینکه بشریت پیوسته رهین و مدیون تلاش مردان الهی و انبیا و دست پروردگان آنها بوده است.

آری مبشرین وادی شریعت و رهروان راه حقیقت اصولاً بخش عمده‌ای از دعوت خود را به سازندگی و بالندگی انسانها در خانه و خانواده اختصاص داده‌اند و منشأ رشد ارزشها و تبلور آن را از مختصات این کانون دانسته‌اند، لذا در سایه دو رکن عمده اخلاق و حقوق در جهت استحکام و استقلال آن کوشیده‌اند و از آن جهت که تربیت و آموزش و نشو و نما و سازندگی و بالندگی در این پایگاه صورت می‌گیرد، همواره تلاش آنان بر این بوده که اصول انسانی و ارزشهای والا و کرامت خلیفه‌الهی در این کانون شکل پذیرد، و سنگ زیرین سعادت، و عظمت و حریت اولاد آدم بدست مرزبان این محفل استوار گردد، و اصل پاکی و طهارت که رکن عمده‌ای در عالم تکوین است در نظام زندگی بشر نیز در سایه قانون الهی و شریعت و با توجه به اصل اصیل مودت و رحمت تحقق پذیرد، تا محصول ارزشمندی را به جوامع انسانی تقدیم دارد.

● با وقوع انقلابهای عظیم الهی توسط پیام‌آوران قسط و عدل و بنیانگذاران مکاتب وحی، که زمینه ساز تمدنهای بشری و تحولات اساسی در نظامهای اجتماعی بوده‌اند، و عمدتاً مبنای دعوتشان، در راستای تحقق عدالت اجتماعی، و زدودن هرگونه سلطه و زورمداری از ساحت زندگی فردی و اجتماعی بشر استوار می‌گردید، روابط درونی خانواده شکلی قانونمند و مقدس و منطبق با نظام تکوین و فطرت بشری به خود گرفت و خانواده هویتی اصیل و نقش محوری در عروج انسان به سوی کمالات پیدا کرد.

ضمن تبیین جایگاه حقوقی و وظایف متقابل زوجین به نکات ریز و دقیقی که از دیدگاه روانشناسی خانواده و جامع نگری فرهنگ اسلامی مورد توجه است، عنایت و توجه لازم را مبذول داریم. زیرا شکل خانواده، بیرون از یک سازمان حقوقی محض است، و با سایر محافل اجتماعی تفاوتی بنیادین دارد و هرگز نمی‌توان از دیدگاه حقوقی محض به آن نگریست و با ابزار حقوقی، افراد را در آن موظف به وظایف لازم نمود.

اینجا حرم امنی است که محارم در سایه امنیت و سکون در آن گرد هم می‌آیند، تا سینه‌های سرشار از عشق و محبت را در سایه پیوند اعضای آن، نثار یکدیگر نمایند، و بذر شادی و شادابی را در این بوستان بپاشند.

بدین سبب به اعتراف غالب حقوقدانان بزرگ و اندیشمندان، حقوقی صرف نمی‌تواند درباره چنین محیطی به طور شایسته تصمیم بگیرد، اعمال

● تمامی کسانی که داعیه دلسوزی برای این کانون را دارند لازم است بدانند که تجدید بنای خانواده چون ایجاد تحول در یک اداره و سازمان حقوقی نیست و دگرگون ساختن و یا بازسازی آن جز با الگوهای ملی و مذهبی برخاسته از فرهنگ خودی مقدور نیست و بسی دریغ که بخواهیم سنتهای حسنه خانوادگی و اجتماعی خود را به دست خود تخریب و با پذیرش الگوهای غیر ملی و نمونه‌های غربی و با تمسک به کنوانسیونهای بین‌المللی به علامت تظلم و دادخواهی و جانبداری از تجدد و تمدن به داوری عجولانه پرداخته و به قلع و قمع فرهنگ اصیل خود بپردازیم.

پس از بیان این مقدمه، به عرصه اندیشه اسلامی در این باب می‌پردازیم.

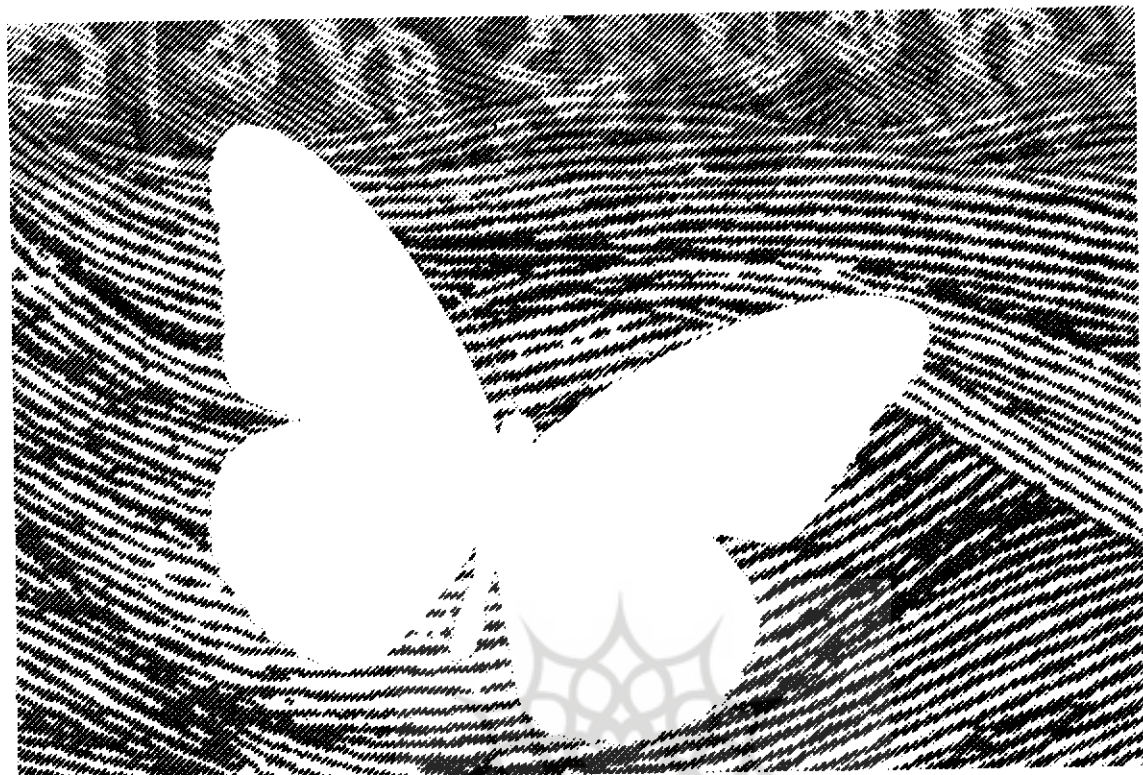
## خانواده در شریعت نبوی

در شریعت جامع و کامل اسلام قوانین مربوط به خانه و خانواده در دو بخش حقوق و وظایف، و اخلاق و فضایل به گونه‌ای مبسوط و مشروح عرضه گردیده است. در این تبیین و تشریح کلیه زوایا و ابعاد زندگی مشترک زن و مرد بر اساس حفظ و حاکمیت ارزشها و احترام متقابل مورد توجه قرار گرفته است، و در بعد وظایف و دستورات، تلطیف و در بعد اخلاق به نکات ارزشمند تأکید می‌شود.

بر این اساس، تقسیم وظایف به موازات علایق و با در نظر گرفتن تمامی روحیات و شرایط، و توجه به توانمندیها و خصایص بوده است، و بر پایه صیانت از ارزش‌ها در زندگی، و حفظ نظم و تقویم در این هسته مرکزی حیات شکل گرفته، و وجود بعضی از تفاوتها در حیطه انجام وظایف و اداره کارها، نه تنها دلیل عدم همسویی و تبعیض نیست، بلکه همه در راستای قوام بخشیدن و قانونمند ساختن زندگی بشر، و به لحاظ ارزیابی دقیق جایگاه هر یک از افراد خانواده نسبت به مسؤولیت خویش است، و حاصل این امر عین عدالت و قسط می‌باشد. زیرا در یک مجموعه هماهنگ هیچگاه همه اعضا نمی‌توانند مسؤولیتی همانند و مشابه داشته باشند، بلکه نظم و قانونمندی زمانی شکل می‌گیرد که هر یک از اعضا و اجزای مجموعه در جایگاه خاص خود و به تناسب مهارت و موقعیت خویش ایفای وظیفه نمایند. بر همین منوال، اساس خانواده در اسلام بر مبنای حفظ اصل «مودت و رحمت» و تفاهم و نیز ایجاد زمینه برای رشد و بالندگی، و تقویت و تکمیل هر یک توسط دیگری شکل گرفته است.

## هدف از تبیین حقوق خانواده

اکنون تلاش ما در این گفتار بر این است که



اداره منزل، دستمزد طلب می‌کند و یا اعتصاب می‌نماید و به بدرفتاری و کج خلقی متوسل می‌گردد، و مرد نیز دم از سلطه و حاکمیت می‌زند و هر چه بیشتر سعی می‌کند غلبه و اقتدار خویش را به رخ حریف مقابل بکشد. آیا در چنین وضعیتی عواطف و احساسات، عشق و علقه‌های پیوند جایی برای ابراز خواهند یافت؟ تکلیف فرزندان و پرورش یافتگان آن چه می‌شود؟ آیا آنان به حساب می‌آیند؟ و آیا کام تشنه آنان از چشمه سار زلال محبت والدین سیراب می‌گردد؟ یا آنکه در معرکه استیفای حقوق، فرزندان وسیله تهدید و ارباب و ابزار تطمیع و اعمال خشم و غضب و سلطه و زورمداری بزرگترها می‌شوند!

بنابراین باید گفت، آشنایی و روشننگری نسبت به حقوق و آگاهی از وظایف اگرچه فی نفسه ممدوح و پسندیده است؛ اما خانواده، به چیزی بیشتر از این نیازمند است، و شرط سلامت زندگی مشترک زن و مرد رهایی از غلاف خودبینی و خودنگری است، و اساس یک پیوند سالم بر دیگرخواهی، فداکاری و رعایت مصالح مشترک

حاکمیت نسبت به تحقق ضوابط حقوقی در این کانون، پیوسته با موانع روبرو بوده، و نفوذ و رخنه حاکمان و دولتمردان در این سرای خاص غالباً زیانبار و غیر مؤثر بوده است، زیرا اینجا خصوصی‌ترین و عاطفی‌ترین جلوه‌های زندگی حضور دارند، و دروازه‌های این قلعه که مأمن اولیه انسانها است به سوی قواعد اخلاقی گشوده‌تر از قوانین حقوقی بوده، لذا بزرگان عالم دین و سیاست بین «تدبیر منزل» و «سیاست مُدن» همواره تفکیک قایل شده‌اند، و مرز بین این دو را پیوسته حرمت نهاده‌اند.

طبیعت خانواده با احکام آمرانه سازگاری ندارد و ما باید امروز توجه داشته باشیم که اگر به جای جریان سنتهای حسنه و ایجاد روابط مرضیه فقط از ابزار حقوق استفاده نماییم، بنای خانواده را از درون تهی نموده‌ایم، و زن و مردی را که انس و الفت متقابل را پایه زندگی خویش قرار داده‌اند، همچون دو مدعی و متخاصم در مقابل یکدیگر قرار می‌دهیم. اینجا توجه به منافع فردی، جای مصالح خانواده و منافع اجتماعی را می‌گیرد، زن در مقابل

کنوناسسیونهای بین‌المللی به علامت تظلم و دادخواهی و جانبداری از تجدد و تمدن به داوری عجلانه پرداخته و به قلع و قمع فرهنگ اصیل خود بپردازیم. و بعضاً زمزمه شادمانه سردهیم که توانسته‌ایم در راه احقاق حقوق افراد خانواده گامهای لازم را برداریم.

در طول نیم قرن اخیر به موازات تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نوین جهان، دستگاههای قانونگذاری تلاش نموده‌اند تغییراتی در زمینه ساختار خانواده ایجاد نمایند، ولی این اقدامات عملاً نتوانسته در راه تعالی و ارتقاء خانواده گام مؤثری بردارد. خصوصاً اینکه گاه دست نیرنگ‌بازان استعمار در این تحولات مشهود، و برخوردهای غیر منصفانه آنها در تخریب بعضی از سنتهای دیرینه و پایدار مانند خواستگاری، مهریه، نفقه، نگهداری فرزندان و اقسام طلاق و غیره... تمسخر آنان نسبت به مبانی

است، همانگونه که در دعوت انبیا تزکیه، مقدم بر تعلیم است و پرورش، مقدم بر آموزش است، در آموزش خانواده هم ابتدا آراستن انسانها به سجایای اخلاقی، قبل از آموزش آنان نسبت به مبانی حقوق است.

عاشق صادق در عرصه ثبوت عشق خود پیرایه‌های ظاهری را به کناری می‌افکند، و تبلور و تجلی عشق راستین خویش را در صدق و صداقتش آشکار می‌سازد. و اگر بر این عشق حتی صدیقی معین گردد، این صداق وسیله‌ی نفوذ و کلید ورود به حریم صدق و وفاداری است.

بنابراین در آموزش حقوق خانواده باید به تمام مبانی اخلاقی و روابط عاطفی و حفظ اصول روانشناسی خانواده بر پایه انس و الفت و مودت و رحمت توجه تام داشت، و اینکه اساس یک پیوند صحیح و معقول و ناگسستنی بر دو پایه اخلاق و حقوق استوار می‌گردد و نبود هر یک موجب خلأ و نقصان در روابط خانوادگی است. و الزام به تحقق حقوق به تنهایی، حداقلی از نظم و عدالت را مستقر می‌سازد و نهایتاً کسانی را که به جز زور ملتزم به هیچ منطق و قانون نمی‌شوند، تا حدی اجباراً به انجام وظیفه می‌کشاند و حکم محکمه حقوقی نمی‌تواند این پایگاه ملی را تماماً تحت قانونمندی قرار دهد.

لذا ما در مقام درمان مشکلات حقوقی خانواده، باید در کنار کاوشهای حقوقی به مسایل روانی و مبانی اخلاقی کاملاً توجه داشته باشیم تا مبدا به جای استحکام بخشیدن به بنای خانواده، به تخریب و انحلال آن دامن زنیم، و تمامی کسانی که داعیه دلسوزی برای این کانون را دارند لازم است بدانند که تجدید بنای خانواده چون ایجاد تحول در یک اداره و سازمان حقوقی نیست و دگرگون ساختن و یا بازسازی آن جز با الگوهای ملی و مذهبی برخاسته از فرهنگ خودی مقدور نمی‌باشد و بسی دریغ، که بخواهیم سنتهای حسنه‌ی خانوادگی و اجتماعی خود را به دست خود تخریب و با پذیرش الگوهای غیر ملی و نمونه‌های غربی و یا تمسک به

### ● نادیده انگاری نیازهای عاطفی و

احساسی انسانها، غفلت از عواقب سوء و

عوارض ناشی از جدایی و طلاق، عدم

توجه به بی سرو سامانی و سرگشتگی

افراد خانواده بعد از انحلال نکاح، همه و

همه عواملی است که خانه و خانواده را در

پرتگاه سقوط کشاند.

### ● در مورد خوشرفتاری زنان نیز

فرمودند: «جهاد المرأة حُسنُ التَّبَعْلِ» تا زن

در عرصه پهناور زندگی زناشویی شدايد

و گرفتاریها و پستی و بلندیها نهایت توان

و هنرمندی خویش را در تنظیم و تدبیر و

تحکیم امور مربوط زندگی مشترک به کار

گیرد.

ارزشی در خانواده کاملاً ملموس برده است.

و متأسفانه در این عرصه‌ی خودباختگی، یا شریعت را دستاویز هوی و هوس خویش قرار داده‌اند، و یا بواسطه مواجهه با فرهنگ مغرب زمین به یکباره سنتهای اصیل ملی و مذهبی را به فراموشی سپرده‌اند، و به پای بوسی آستان فرهنگ آن دیار پرداخته‌اند، و اثرات سوئی را برای جوامع شرقی ببار آورده‌اند و زمینه‌های تزلزل و بی‌ثباتی را در خانواده تدارک نموده‌اند.

لذا با توجه به این مسایل، و نیز تزلزل و بی‌ثباتی بنیان خانواده در غرب، و نیز عواقب وخیم انحلال نکاح و ایجاد سرگشتگی و بزهکاری در فرزندان بعد از طلاق و اضطراب و افسردگی هر یک از زوجین پس از جدایی، و نیز سایر مفسد و معییبی که حاصل از هم‌پاشیدگی خانواده است، ضروری است در اصلاح ساختار خانواده و رفع بعضی از روشهای غلط و نکوهیده در آن و یا در آموزش

● او در کنار همسر خویش طمأنینه و آرامشی را می‌جوید تا نفس انسانی را ارتقا دهد، و صورت «اماره» به «لوامه» و از آن معبر به نفس «مطمئننه» برسد. او بر سر راه پر فراز و نشیب زندگی موانع و مشکلات فراوان دارد در این مسیر دشوار حرکت به تنهایی میسر نیست و خالق حکیم از دواج را وسیله سکونت و آرامش برای زن و مرد قرار داد، تا در سایه تحقق آن هر دو به غایت خلقت خویش برسند.

مبانی حقوقی به افراد، نهایت تدبیر را به کار گیریم و با رعایت تمامی ملاحظات در حفظ اصول و ارزشها و اینکه سلامت نسل و بالندگی و سازندگی جامعه اهتمام ورزیم و در حفاظت از این سلامت و تحکیم بنای آن نهایت تلاش را بکار بندیم، چنانکه

در فرهنگ اسلامی به تثبیت هر دو بعد در قالب احکام خمسه پرداخته است.

اکنون با حفظ این ضوابط به بحث حقوق متقابل زوجین و نیز وظایف هر یک در قبال دیگری از دیدگاه فرهنگ غنی اسلام می‌پردازیم.

## رابطه حق و تکلیف

سخن را در اینجا به کلامی نورانی از نهج البلاغه امیرالمؤمنین در زمینه حقوق و فلسفه‌ی وضع آن آغاز می‌کنیم. حضرتش در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه می‌فرماید:

«ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حَقُوقاً أَفْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ فَجَعَلَهَا تَكَافُؤاً فِى وُجُوهِهَا، وَ يُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضاً وَ لَا يُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا آلا بَعْضٍ»

«پس خداوند سبحان از جمله حقوق خود که بر بندگان قرار داد و آنان را ملزم به آن نمود، رعایت حقوق متقابل بندگان است، حقوقی که برای بعضی از انسانها نسبت به بعض دیگر واجب نمود و واجب نمی‌گردد بعضی از آنها مگر به سبب بعض دیگر.» در این فراز کوتاه از بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام توجه به چند نکته ضروری و لازم است:

اول اینکه: در تمامی عرصه‌هایی که حقوق متقابل برای انسانها وضع گردیده و قانونگذار، برای سامان بخشیدن به نظام زندگی و وظایف طرفین قرار داده، رعایت این حقوق متقابل در واقع اطاعت از فرمان حق است و هیچ یک مستقل از فرامین الهی، مجاز به اعمال نظر خاص نسبت به دیگری نیستند.

دوم: در وضع قوانین الهی، رعایت کامل قسط و برابری گردیده و در محضر کردگار عالم هیچیک از بندگان جز به واسطه بندگی و اطاعات و عمل صالح بر دیگری رجحان ندارد و هدف سوق انسانها به سوی حیات طیبه است، و ملاک رتبت در عرصه زندگی سبقت به سوی تقوی و رعایت حقوق الهی است.

می‌فرماید:

«هر یک از زوجین نسبت به آنچه از حق دیگری بر او واجب است، امتناع نماید و از اطاعتش بیرون رود این خروج نشوز نامگذاری شده، زیرا که یکی از زوجین با معصیتش از آنچه خداوند از حق دیگری بر او واجب نموده است خارج شده.»<sup>(۵)</sup>

بنابراین هرگونه سلب مسئولیت و انجام وظیفه در حیطه خانواده چه از سوی مرد و چه از سوی زن نافرمانی خدا و اضعاء حق دیگری است، و چون بنیان زندگی بشر از این محفل آغاز می‌گردد و پایه‌های شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی انسان در اینجا صورت می‌پذیرد، می‌بینیم که بیشترین دستورالعمل‌های اخلاقی همراه با تأکید آمده است، و تمهیدات حقوقی، هم در سیاق آیات متعدد و هم در لسان روایات از سوی معصومین، در حفظ ارکان این بنا وارد گردیده، و اصل تحقق عدالت اجتماعی از اینجا آغاز می‌گردد.

### ● در مسأله تعدد زوجات که به واسطه

برخی از ضرورت‌های اجتماعی و در

شرایطی خاص از قبیل مشکلات بعد از

جنگها یا حوادث دیگری که مردان در خطر

نابودی قرار می‌گیرند یک سلسله فرامین

خاص و شرایطی معین دارد، نه اینکه هر

کس به واسطه هوی و هوسهای نفسانی

خویش این قانون را دستاویز خود قرار

دهد و سوء استفاده نماید، و عمل خود را

به شریعت و کانون کامل اسلام نسبت

دهد.

### عدالت در نظام تکوین و تشریح

تقسیم وظایف در این کانون از سوی کسی است که نظام هستی را بر اساس عدالت و میزان قرار داده، بشر را پیوسته به تعدیل و برقراری میزان در

سوم اینکه: هیچ حقی بر کسی واجب نمی‌گردد مگر آنکه در مقابل آن حق وظیفه‌ای مقرر است و رابطه بین حق و تکلیف متقابل است.

بر این اساس با تحقق زوجیت، طرفین به انجام وظایف همسری و رعایت حقوق دیگری التزام می‌یابد، چنانچه در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی هم اینگونه آمده:

«همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود، و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.»

در بین این حقوق و وظایف، بعضی مشترک بین طرفین است، مانند رعایت اصل حاکمیت مودت و رحمت در خانواده و حسن معاشرت طرفین نسبت به یکدیگر و سعی در تشدید و تقویت مبانی خانواده، و بعضی دیگر فقط بر عهده زوجه است مثل تمکین و اطاعت زن در امر زناشویی و کسب اذن در خروج از منزل، و برخی فقط بر عهده مرد است مانند تأمین مخارج زندگی از خوراک و پوشاک و مسکن و حق مضاجعت، و تخلف هر یک از طرفین نسبت به وظایف خویش باعث نشوز و خروج از طاعت حق است و قصور هر یک با اصل حفظ کرامت انسانی منافات دارد.

چنانچه در تعریف نشوز هم، در لغت و در اصطلاح، همین معنا لحاظ شده است.

### نشوز و معنای آن

نشوز در لغت، به معنای ارتفاع و برتری جستن و یا به عصیان و نافرمانی اطلاق گردیده و در اصطلاح فقها هم مرادف همین معناست، چنانچه محقق حلی در کتاب «مختصر النافع» نشوز را اینگونه معنا می‌کند:

«اما نشوز، آن ارتفاع یکی از زوجین است نسبت به انجام وظایفش در مقابل همسر در آنچه که بر او واجب است.»

فقیه بزرگ مرحوم صاحب جواهر هم در کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» در تعریف نشوز



حاکمیت و گرداندگی امور خانواده «الزَّجَالِ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»<sup>(۸)</sup> را بیان می‌نماید در کنارش در همان سوره، انسان را از هرگونه حاکمیت به غیر حق و تحکم بر اساس هوی و هوس باز می‌دارد و اصل «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»<sup>(۹)</sup> را نسبت به اقامه قسط در تمامی حالات بیان می‌دارد. و دلیل این حاکمیت نه از باب تَفَوُّق و رجحان ذاتی جنس مرد در عرصه خلقت نسبت به جنس زن باشد که با «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ»<sup>(۱۰)</sup> و «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا»، تقسیم وظایف بر میزان توانمندیها و روحیات اشخاص می‌باشد و اینکه هر شخص، مسؤولیتی مطابق با ساختمان ویژه تکوینی خویش بر عهده دارد، و در کارهایی که از مرد ساخته نیست زن به کمک او می‌شتابد و در کارهایی که از زن ساخته نیست مرد به حمایت و خدمتگذاری می‌پردازد.

زندگی فراخوانده است، و از این حیث که او خلیفه و قائم مقام حق در کره خاکی است در تمامی شئون زندگی لحاظ این منصب و مسئولیت را بر او لازم می‌بیند، و به انواع مختلف او را به برقراری و حفظ عدالت و دوری از هرگونه ظلم و تحکم و زورمداری دعوت می‌نماید. در یک جا می‌فرماید:

«قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ»<sup>(۶)</sup>

اشاره به اینکه از مصدر کمال مطلق جز قسط صادر نمی‌گردد. در جای دیگر می‌فرماید:

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ»<sup>(۷)</sup>

آری، فعل او، ابداع و آفرینش او، انشاء او چه در مرحله امر و چه در مرحله خلق، همه بر پایه میزان و عدالت است، تا اینکه بندگان به پیروی از رب‌الارباب، در برقراری عدل، سعی خود را به کار گیرند و از هرگونه افراط و تفریط و انحراف و گرایش به سوی غیر حق بپرهیزند. لذا اگر در



## اصول تحکیم خانواده در قرآن کریم

اختلافات صلح و آشتی بهتر و منفعتمش بیشتر است.» ظاهر می‌گردد.

مشاهده این اصول ارزشمند در سوق دادن بنیانگذاران خانواده به سوی کرامت نفس و تبلور صفات و کمالات انسانی، اهمیت این بناء، و تأثیر آن را در ساختار زندگی بشر همواره ظاهر می‌سازد. از سویی دیگر پیوسته زوجین را به تمایل و گرایش به محاسن اخلاقی و در عین حال انجام وظایف حقوقی دعوت نموده، و آنان را از هرگونه اعمال و خواسته‌های یک جانبه نفسانی و ظلم نسبت به یکدیگر و مکدر ساختن فضای انس و الفت در خانواده برحذر می‌دارد.

چنانچه بعد از سفارش به صلح و سازش در هنگام بروز اختلاف و ظهور نشوز از سوی مرد در آیه ۱۲۸ سوره نساء می‌فرماید «وَأُخْضِرَتُ الْأَنْفُسَ الشُّجْعَ» یعنی زن و مرد باید بدانند ریشه بسیاری از اختلافات در خانواده بخل ورزیدن و تنها به خود اندیشیدن است و این با مصالح خانواده سازگاری ندارد زیرا لازمه زندگی مشترک منافع مشترک و دفع مضار مشترک از ساحت خانه و خانواده است و اولین اثری که با انشاء عقد نکاح و برقراری پیوند ازدواج برای طرفین حاصل می‌گردد پرهیز از خودخواهی‌ها و اجتناب از بخل نسبت به استیغای حق دیگری است، که زوجین با تحقق این صفت در زوجین، هر یک قدمی بزرگ در خودسازی و کمال نفس برداشته‌اند، و زوجین با به کار بستن هر یک از اصول و فرامین، خانواده و جامعه را به سوی ارزشها و سازندگی سوق می‌دهند، و این، اثر ایفای وظایف متقابل در خانواده است.

در این قسمت ما به ارزیابی چند رکن مهم و مبنایی خواهیم پرداخت که ریشه‌های ارزشگذاری به مسایل خانواده را در فرهنگ ادیان الهی به صورت اعم، و در فرهنگ اسلامی به صورت اخص تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که هر یک، مبین ظرافتها و دقت نظرهای قانونگذار نسبت به این امر، و نیز بیانگر نظام تربیتی و روانشناسی خانواده در اسلام است و از سوی دیگر تقابل آراء و فرهنگها و

پس همانگونه که مشاهده می‌شود قوانین خانواده در اسلام درست در راستای برقراری اصل عدالت اجتماعی تنظیم و تدوین گردیده است، بلکه از آن جهت که کلیه فرامین در حیطه امور خانواده باید از مقر و کاناال اصل<sup>(۱۱)</sup> «مودت و رحمت» عبور نماید، لذا در موازین حقوقی مربوط به خانواده توصیه به حفظ و رعایت اصل «معروف» هم به گونه اجمالی مانند «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>(۱۲)</sup> «از برای زنان حقوقی شایسته مقرر گردیده همانند وظایفی که بر عهده آنان است.» و هم به صورت تفصیل چون «وَأَشِيرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>(۱۳)</sup> «با زنان به شایستگی و معاشرت نیکو رفتار نمایید.» و «وَأْتَمِرُوا بِإِيْتِمَارِ الْمَعْرُوفِ»<sup>(۱۴)</sup> «در مسائل خانواده که مشورت و سازش بر پایه رفتار شایسته و نیکو را مراعات نمایید.» و «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>(۱۵)</sup> «هزینه زندگی مادر از نظر خوراک و پوشاک بر عهده کسی است که فرزند از آن اوست به گونه‌ای شایسته و در حد معروف» و «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَخُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ»<sup>(۱۶)</sup> اشاره به اینکه «اگر ادامه زندگی میسر نبود و زنان را طلاق دادید و عده ایشان به سر آمد، باز می‌توانید یا به طرز پسندیده و معروف آنان را نگه دارید (و زمینه را برای آشتی فراهم سازید) و یا ایشان را به طریقی پسندیده و به دور از تعدی رها سازید.» بیان گردیده است و این تلطیف و ترقیق و به عبارت دیگر آمیختن مسایل حقوقی با موازین اخلاقی که از شاهکارهای روانشناسی تربیتی اسلام است گاه با توصیه به اصل «فَضْلٌ» در «وَلَا تَسْتَوُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ»<sup>(۱۷)</sup> «گذشت و نیکوکاری را در بین خود فراموش مکنید.» متجلی و گاه با توصیه به «عفو» در مثل «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»<sup>(۱۸)</sup> «در امور مورد اختلاف خود اگر روح عفو و گذشت را حاکم سازید به تقوی نزدیکتر است.» و گاه با رعایت اصل «صلح» «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»<sup>(۱۹)</sup> «در هنگام بروز

و زندگی زناشویی مبدأ تحول شخصیت اوست، در این تحول باید به گونه‌ای حرکت کند که عقل بر نفس (نفس اماره) غالب آید نه به عکس، که در این صورت حرکت او سیر نزولی دارد نه سیر صعودی.

او در کنار همسر خویش طمأنینه و آرامشی را می‌جوید تا نفس انسانی را ارتقا دهد، و صورت «اماره» به «لوامه» و از آن معبر به نفس «مطمئنه» برسد. او بر سر راه پر فراز و نشیب زندگی موانع و مشکلات فراوان دارد در این مسیر دشوار حرکت به تنهایی میسر نیست و خالق حکیم ازدواج را وسیله سکونت و آرامش برای زن و مرد قرار داد، تا در سایه تحقق آن هر دو به غایت خلقت خویش برسند.

### «خانه محضر حق»

خانه و کانون گرم آن محضر خدای رحمان است لذا اعمال و کردار هر یک از زوجین مورد توجه حضرت حق بوده و با حسابمندی دقیق ثبت و ضبط می‌گردد، و به فعل و نیت ارزشمند، آثار مفید بر آن مترتب می‌گردد.

به تعبیر قرآن کریم «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَآ يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا»<sup>(۲۰)</sup> سرزمین پاکیزه باذن پروردگارش ثمره و حاصل خوب و با برکت بیار می‌آورد، اما سرزمینهای شوره‌زار و خبیث حاصلش جز چیزی کم ارزش و بی فایده نخواهد بود. بر همین اساس بنای خانواده بر پایه پاکی و پاکیزگی زوجین شکل می‌گیرد، و مبنای تکوین فرزندان در اسلام بر طهارتی است که بر دو پایه وراثت و تربیت شکل می‌گیرد؛ و هم فاعلیت فاعل و هم قابلیت قابل در این طهارت مؤثر است. لذا خداوند می‌فرماید: «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»<sup>(۲۱)</sup> و رعایت اصل کفویت از اصول عمده در انتخاب همسر است، و بر همین مبنا در جای جای دستورالعملهای مربوط به خانواده زن و مرد را از خیانتها و شرارها برحذر، و آنان را به سوی حیات طیبه که هدف زندگی بر پایه آن است سوق

ارزیابی اصول ارزشی از دیدگاههای مختلف، به غنا و کارآیی و همه‌سو نگری و توانمندی فرهنگ خودی یاری رسانده، و سستی و بی‌محتوایی بعضی از حرکتها و جنبشهایی را که در دهه‌های اخیر با نگرشهای فمینیستی به دفاع نامتعادل از حقوق زن و خانواده سعی در بی‌رنگ کردن سنتهای ملی و تضعیف روابط عاطفی، و ایجاد بی‌اعتمادی افراد خانواده نموده‌اند، کاملاً برملا و روشن می‌گردد.

## ارکان نظام خانواده در اسلام

### «کرامت انسان»

هدفمندی خلقت و جهت‌دار بودن زندگی انسان و برخورداری او از کرامتی خاص، که سراسر ابعاد وجودش را در بر می‌گیرد و در مجموعه نظام آفرینش با برخورداری از این کرامت، او را نسبت به

● اعمال حاکمیت نسبت به تحقق ضوابط حقوقی در این کانون پیوسته با موانع روبرو بوده، و نفوذ و رخنه حاکمان و دولتمردان در این سرای خاص غالباً زیانبار و غیر مؤثر قرار گرفته، چون اینجا خصوصی‌ترین و عاطفی‌ترین جلوه‌های زندگی حضور دارند.

سایر شئون جمادی، نباتی و حیوانی زندگی متمایز می‌سازد، و رسالتی عظیم مابین «أنا لله» تا «أنا الیه راجعون» بر عهده وی قرار می‌دهد، که تحقق آن با بی‌بندوباری و آزاد زیستی و رهائی از قيود اخلاقی، سازگاری ندارد. و چون انسان در مسیر زندگی، حرکتش به سوی کمال مطلق است، بر این اساس به همسر خویش در زندگی مشترک به مثابه یک انسان مکمل، یک روح تعالی بخش، یک مبدأ آرامش در مسیری هدفمند و حساب شده می‌نگرد،

برکات دیگری است، و آثار کسب رضایت پروردگار را در ایجاد گرمی و صفا در خانواده می‌یابد.

حاکمیت این فرهنگ قرآنی در ایجاد همراهی و همدلی زوجین و هموار ساختن مسیر زندگی تأثیر مستقیم دارد، و آنان را یاری می‌نماید تا در بروز اختلافات و رخدادها عجلانه تصمیم نگیرند، و فرار را بر قرار، ترجیح، و گسستگی را بر پیوستگی غالب نمایند، بلکه از آن جهت که رضایت حق را در استمرار و استحکام این پیوند می‌بینند، در برقراری صلح و آشتی تلاش نموده و مقاوم و استوار مشکلات را از پیش روی بر می‌دارند، و به ایجاد تفاهم و اتحاد و همدلی و یک سوئی فکر می‌کنند نه به جدایی و انحلال و از هم پاشیدگی.

و امروز یکی از بلاهای خانمانسوزی که به جان خانواده افتاده عدم توجه به این اصل قرآنی است، و زمینه بسیاری از نابسامانیهای خانه و خانواده و

● **مسئله مهم دیگری که در فرهنگ اسلامی مطرح است رعایت حرمتها و حفظ کرامت انسانی طرفین از سوی یکدیگر است لذا اسلام به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد حریم حرمت‌های اخلاقی در خانواده شکسته شود و عرض و آبروی دیگری در معرض مخاطره قرار گیرد.**

تصمیم‌گیریهای ناپخته و عجلانه نسبت به جدایی و طلاق از همین جا آغاز می‌گردد.

امروزه بی توجهی سردمداران و مدافعین حقوق خانواده، به ریزبینی‌ها و دقت نظرهایی که شریعت در اصلاح ساختار خانواده دارد، و نیز یک‌سونگری و توجه خاص به ابعاد مادی زندگی و استیفای حقوق صرف بر مبنای نگرشهای فمینیستی، بی توجهی به ارزشهای اخلاقی و مصالح خانوادگی، نادیده انگاری نیازهای عاطفی و احساسی انسانها، غفلت از عواقب سوء و عوارض

می‌دهد، مثلاً در دنباله کلام نورانی «وَ اُخْضِرَتِ الْا نْفُسَ الشَّحِّ»<sup>(۲۲)</sup> وَ نَفِیْ اِنْسَانٍ اَزْ صِفَاتِ مَذْمُومٍ می‌فرماید: «وَ اِنْ تُحْسِنُوْا وَ تَتَّقُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا»<sup>(۲۳)</sup> اگر شما از بخل بپرهیزید و احسان پیشه سازید و تقوی کسب نمایید، خداوند بر اعمال شما حاضر و ناظر و آگاه است. زیرا در محضر او هیچ چیزی محو نمی‌شود و هر کاری اثر خود را بر جای

می‌گذارد، اگر چه در ظاهر شاهدهی بر آن نباشد، لیک چون خالق هستی و مراقبان او شما را تحت مراقبت دارند، و در محکمه عدل او پاداش کردار، محفوظ و باندازه اندکی بی‌عدالتی نیست؛ لذا این توجه به حضور در محضر حق به انسان انگیزه عمل شایسته را عطا می‌کند.

### اولویت مصالح خانواده

اگر زن و مردی پس از پیوند ازدواج، به علی زوج خویش را مطابق با معیارهای خویش نیافتند؛ ولی به خاطر مصالح خانواده و ارزش گذاری به اصول این پیوند، علیرغم میل باطنی خویش کراهت و بی میلی نسبت به زوج خویش نشان ندادند و در حفظ این بنا و مصالح آن کوشیدند، به دلیل توجه و گذشت و ترجیح مصالح خانواده بر خواسته‌های شخصی، خداوند کریم دریچه‌ای از خیرات و برکات را به سوی آنان می‌گشاید، چنانچه در سوره نساء بعد از تأکید بر خوشرفتاری نسبت به همسران و امر به «عَاشِرُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» می‌فرماید: «فَاِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَّ يَجْعَلَ اللّٰهُ فِیْهِ خَيْرًا کَثِيْرًا»<sup>(۲۴)</sup> اشاره به اینکه اگر به جهاتی از همسران و زنان خود رضایت کامل ندارید و نسبت به ایشان کراهت و ناخوشایندی در دل شماست، از ابراز آن و به کدورت کشاندن کانون گرم خانواده بپرهیزید، و شیوه سازش و مدارا و معاشرت نیکو را مرام خویش سازید، که اگر اینگونه عمل کردید، پروردگار شما به جبران این عمل ارزشمند، خیرات و برکات و سود فراوان را نصیب شما می‌گرداند که از آن جمله، اعطای فرزندان صالح و شایسته و

ناشی از جدایی و طلاق، عدم توجه به بی سرو سامانی و سرگشتگی افراد خانواده بعد از انحلال نکاح، همه و همه عواملی است که خانه و خانواده را در پرتگاه سقوط کشانده و هر روز بر مشکلات جوامع در این زمینه می‌افزاید، و رویکرد به سوی این فرهنگ متأسفانه جوامع شهری ما را شدیداً مورد تهدید قرار می‌دهد.

بنا بر گزارشی که از سوی سازمان ثبت اسناد در پایان سال ۷۷ در یکی از روزنامه‌ها درج گردیده، در زمینه آمار طلاق و ازدیاد آن این چنین ذکر شده: آمار سال گذشته نشان می‌دهد که در مقابل هر یکصد دختر و پسری که با هم ازدواج کرده‌اند حدود ۱۲ زن و مرد طلاق گرفته‌اند، و در بهمن ماه سال (۷۷) در تهران ازدواج‌ها چهار برابر طلاقها بوده، یعنی در مقابل هر ۴ ازدواج یک طلاق، این آمار می‌گوید: در بهمن ماه این سال در تهران

(۵۶۳۰) زن و مرد پیوند زناشویی بسته‌اند و در همین مدت (۲۰۲۰) زن و مرد با مراجعه به دفاتر خواستار جدایی شده‌اند.<sup>(۲۵)</sup>

آیا این خطر نگران کننده نیست، و آیا نسل جوان ما که در آستانه ازدواج هستند به چه نوع آموزش‌هایی احتیاج دارند؟ آیا آموزش رموز اخلاقی و تربیتی در خانواده کمتر از آموزش مسایل بهداشتی آنان است؟ و آیا زندگی زناشویی یک بازی کودکانه است که ما فقط ابزار مادی زندگی را در اختیارشان بگذاریم و فکر کنیم زندگی یعنی فرش و پرده و صندلی و میز و یخچال و ... ولی از آموزش محتوای زندگی غافل بمانیم؟ آیا لزوم آموزش رموز رفتاری در خانه و خانواده و کلیدهای حسن ارتباط و تقاضم در مقاطع خاصی که جوان در آستانه ازدواج است ضروری نیست؟ و آیا قوام بخشیدن بر سنتهای حسنه مذهبی و ملی در کنار روند توسعه صنعتی زندگی بر ما لازم نیست؟ و آیا پدران و مادران در انتقال الگوهای رفتاری نیاز به چه تعلیماتی دارند؟ همه اینها اموری است که ما باید مجدّانه در حرکت فرهنگی جامعه یک به یک را دنبال و در ابقا و احیای ارزشهای الهی در خانه و خانواده بکوشیم.

بنا بر گزارشی که از سوی سازمان ثبت اسناد در پایان سال ۷۷ در یکی از روزنامه‌ها درج گردیده، در زمینه آمار طلاق و ازدیاد آن این چنین ذکر شده: آمار سال گذشته نشان می‌دهد که در مقابل هر یکصد دختر و پسری که با هم ازدواج کرده‌اند حدود ۱۲ زن و مرد طلاق گرفته‌اند، و در بهمن ماه سال (۷۷) در تهران ازدواج‌ها چهار برابر طلاقها بوده، یعنی در مقابل هر ۴ ازدواج یک طلاق، این آمار می‌گوید: در بهمن ماه این سال در تهران



### ازدواج یا میثاق غلیظ در قرآن

پیوند ازدواج در اسلام با سایر عقود و قراردادهای طرفین بسیار متفاوت و تعبیری را که قرآن از نکاح می‌آورد بسیار درخور توجه و تأمل است، قرآن پیوند ازدواج را «میثاق غلیظ»<sup>(۲۶)</sup> می‌نامد. کلمه وُثُوق و ثَقَّة به معنای اعتماد و اطمینان و وثاقت یعنی محکم و ثابت و مواثقه به معنای معاهده محکم است.

راغب اصفهانی می‌گوید: میثاق پیمانی است که با سوگند و عهد تأکید شده باشد<sup>(۲۷)</sup>. میثاقی که وفاداری، اعتماد، هم عهدی صادقانه، عشق بی پیرایه می‌طلبد، و بر همین اساس است که تعیین صداق بر او لازم است. میثاقی که در سایه آن بقا

منزلی مشابه، اجر و مقام شهید قرار داده شده، یعنی آنگاه که زن در عرصه زندگی زناشویی در راه حفظ منافع و مصالح خانه می‌کوشد و تلاش می‌کند، و به رویارویی و مقابله با مشکلات می‌پردازد، همانند مجاهدی است که در هم‌اوردی میدان جنگ مجاهده می‌نماید و به استقبال شهادت می‌رود.

چنانچه در روایتی منقول از رسول خدا (ص) آمده «فَمَنْ صَبَرَ مِنْهُنَّ وَ احْتَسَبَ اَعْطَاهَا اللهُ اَجْرَ شهید<sup>(۳۱)</sup>» اشاره به اینکه زانی که در ایفای رسالت همسری از زینت زیبای صبر برخوردارند و اهل دقت و بررسی و حسابگری هستند، خداوند اجر شهید به آنان عطا می‌کند.

مسأله مهم دیگری که در فرهنگ اسلامی مطرح است رعایت حرمتها و حفظ کرامت انسانی طرفین

نوع ارزشمندترین موجود هستی شکل می‌گیرد، و بهترین صورت حیات ترسیم می‌یابد، میثاقی که رکن استمرار ارزشهای شایسته بشری، و عروج به کمالات معنوی و تداوم میانی ارزشی بر کره خاک است، پیمانی که بعد از پیمان انسان با خدا محکم‌ترین و مقدس‌ترین پیمان در عالم ملک می‌باشد. لذا تمایلات نفسانی و خودکامگی‌ها و خودمحوری‌های زورمدارانه با اصل این میثاق منافات دارد، و طرفین این پیمان در حفظ و قوام استحکام آن بایستی رعایت تمامی اصول ارزشمند زندگی را بنمایند، بر این اساس می‌بینیم که از عمده‌ترین وظایف مشترک زوجین «حسن معاشرت» است (چنانچه در اصل ۱۱۰۳ قانون مدنی آمده که: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند».

پیامبر گرامی اسلام در این خصوص فرمودند: «اَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ اِيْمَانًا اَحْسَنُهُمْ خَلْقًا وَ خَيْرُهُمْ لِنِسَائِهِمْ<sup>(۲۸)</sup>» «کاملترین مؤمنان از حیث ایمان خوشرفتارترین آنها است و شایسته‌ترین شما آنهایی هستند که با زنهایشان خوشرفتارترند» و در مورد خوشرفتاری زنان نیز فرمودند: «جهاد المرأة حُسْنُ التَّبَعْلِ<sup>(۲۹)</sup>» تا زن در عرصه پهناور زندگی زناشویی شداید و گرفتاریها و پستی و بلندیها باید نهایت توان و هنرمندی خویش را در تنظیم و تدبیر و تحکیم امور به کار گیرد، و با ایفای مسئولیت خویش و مبارزه با آنچه مصالح خانواده را به مخاطره می‌اندازد، کارآیی و توانمندی خود را در گرداندگی امور زندگی آشکار سازد؛ اینجاست که مصداق آیه «فالمصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله<sup>(۳۰)</sup>» می‌گردد. آنان که با ارائه ارزشهای عملی و رفتاری شایسته به خوبی وظایف محوله خویش را انجام می‌دهند، و به واسطه حفاظت و مراقبت خویش نسبت به اسرار و حقوق خانواده خصوصاً در غیاب همسران - که گرداندگی زندگی مشکل‌تر می‌گردد - حافظ حدود و احکام الهی هستند ایشان از بالاترین مقامات برخوردارند، و بر اساس نقل بسیاری از روایات برای اجر و

● در موازین حقوقی مربوط به خانواده توصیه به حفظ و رعایت اصل «معروف» هم به گونه اجمالی مانند «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و هم به صورت تفصیل چون «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و «وَ اَمْرُوا بَيْنَكُمْ بِالْمَعْرُوفِ» و «وَ عَلَي الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و «فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» بیان گردیده است و این تلطیف و ترقیق و به عبارت دیگر آمیختن مسایل حقوقی با موازین اخلاقی که از شاهکارهای روانشناسی تربیتی اسلام است گاه با توصیه به اصل «فَضْل» در «وَ لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» متجلی و گاه با توصیه به «عفو» در مثل «وَ اِنْ تَعَفَّوْا اَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» و گاه با رعایت اصل «صلح» و «الصُّلْحُ خَيْرٌ» ظاهر می‌گردد.

از سوی یکدیگر است لذا اسلام به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد حریم حرمت‌های اخلاقی در خانواده شکسته شود و عرض و آبروی دیگری در معرض مخاطره قرار گیرد.

بر این اساس اولاً در حرم امن خانه، زن و مرد را حامی و محافظ و پوشنده عیوب و نیز مایه آبرو و زینت یکدیگر معرفی می‌کند و با تعبیر زیبایی «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» آنان را از مکشوف ساختن اسرار و مسایل خاص خانواده در منظر و مرآی دیگران باز می‌دارد، و همچنین دیگران را از تعرض به این حریم منع و از تجسس در اموری که اختصاص به زوجین دارد برحذر می‌دارد. اینجا است که هم حریمها شکسته نمی‌شود، و هم زن و مرد تلاش می‌کنند که مسایل خانه و خانواده را در درون کانون گرمشان حل و مشکلات را در کنار هم محرمانه مرتفع نمایند، و هم اطرافیان از مداخله‌های بی مورد که حاصلش جز اختلاف و از هم گسیختگی است بپرهیزند، مگر در شرایط خاصی که اختلاف به گونه‌ای باشد که طرفین خود نتوانند درصدد رفع آن برآیند، که به تعبیر قرآن مورد «شقاق» باشد، در اینجا هم با تعیین حکم با شرایط خاص زمینه اصلاح و ارتفاع مشکل را مهیا می‌کند، ولی در تمامی صور اجازه تعرض به حریم شخصیت و آبروی دیگری را نمی‌دهد، و هرگونه تضییع حقی را منافی با پیوند محکم ازدواج «میثاق غلیظ» آن می‌شمارد، لذا در یکی از خطابات قرآنی که به مردان در این زمینه می‌فرماید: «اتَّخِذُوهُ بُهْتَانًا وَاِثْمًا مُّبِينًا، وَكَيْفَ تَاخِذُوهُ وَقَدْ اَفْضَى بَعْضُكُمْ اِلَى بَعْضٍ وَاَخَذَنَّ مِنْكُمْ مِثْقَالَ غَلِيظًا»<sup>(۳۲)</sup> در این آیه بعد از توصیه به دادن مهریه و استیفای حقوق مالی زن ولو اینکه به مقدار زیادی باشد، می‌فرماید: «آیا می‌خواهید برای بازپس گرفتن مهر زنانتان به تهمت و نسبت دادن گناه به آنها متوسل شوید؟!» سپس به صورت استفهام توبیخی به ملامت از این عمل می‌پردازد، و جهت منفعل ساختن عواطف انسانی مردان به ایشان می‌فرماید: چگونه به چنین کاری اقدام می‌کنید؟ و معترض

حقوق مالی و آبروی آنان می‌شوید؟ و خیانت را بر امانت و حفظ آن ترجیح می‌دهید، در حالی که به واسطه همسری، مدت‌ها در خلوت و تنهایی با هم بوده‌اید و بهره همسری را از ارتباط با یکدیگر داشته‌اید، و در واقع به منزله یک روح در دو بدن با هم زیسته‌اید، حال چگونه چون بیگانه‌ها یکدیگر را مورد اتهام قرار می‌دهید، و حقوق مسلم ایشان را پایمال می‌کنید؛ و سپس ایشان را به عهد و پیمان محکمی که در ابتدای زندگی مشترک بسته‌اند هشدار می‌دهد، که چگونه این پیمان مقدس را نادیده می‌گیرید، و معترض به حقوق مالی یا عرض و آبروی همسرانتان می‌شوید.

اینجا است که می‌بینیم در برقراری عدالت از سوی قانونگذار بهترین دستورات صادر گردیده و نهایت دقت به عمل آمده و هیچیک از طرفین اجازه تخطی از آن را ندارند، بلکه نه تنها با برقراری عدل تمامی قوانین را تنظیم، که به واسطه دستورات اخلاقی ایشان را به وادی فضل و عفو و معروف و فعل اصلح دعوت می‌نماید.

حتی در مسأله تعدد زوجات که به واسطه برخی از ضرورتهای اجتماعی و در شرایطی خاص از قبیل مشکلات بعد از جنگها یا حوادث دیگری که مردان در خطر نابودی قرار می‌گیرند یک سلسله فرامین خاص و شرایطی معین دارد، که در آن صورت مرد مجاز به اقدام به آن است، نه اینکه هر کس به واسطه هوی و هوسهای نفسانی خویش این قانون را دستاویز خود قرار دهد و سوء استفاده نماید، و عمل خود را به شریعت و کانون کامل اسلام نسبت دهد.

لذا در اینجا اولاً بیش از هر چیز بر تحقق عدالت عملی مرد تکیه دارد تا به جایی که می‌فرماید: «وَاِنْ جِئْتُمْ اَنْ لَا تَعْدِلُوْا فَوَاجِدَةٌ» اگر نمی‌توانید عدالت را رعایت کنید مجاز به تعدد نیستید و به یک همسر اکتفا نمایید تا از روا داشتن ظلم و تعدی برحذر باشید. بر این اساس به دنبال آن می‌فرماید «ذلک اَدْنٰی اَلَّا تَعُوْلُوْا»<sup>(۳۳)</sup> اشاره به اینکه اگر یک همسر داشته باشید و وظایف لازم خویش را انجام دهید

مخصوصاً کشور آلمان این مشکل رخ برنمود، و جمعی از متفکران را وادار ساخت که برای چاره جویی و حل مشکل در مسأله ممنوعیت تعدد همسر تجدید نظر کنند، و حتی برنامه تعدد زوجات در اسلام را از دانشگاه «الازهر» خواستند و تحت مطالعه قرار دادند، ولی در برابر حملات سخت کلیسا مجبور به متوقف ساختن این برنامه شدند و نتیجه آن همان فحشا و بی بند و باری جنسی وسیعی بود که سراسر کشورهای جنگ زده را گرفت.

ما در این گفتار، با توجه به موضوع مورد بحث به ارزیابی فلسفه حکم تعدد زوجات نمی پردازیم و کلام را در این بخش با سخنی از «گوستاو لوبون» مورخ مشهور فرانسوی درباره قانون تعدد زوجات در اسلام و مزایایی که در این قانون محدود و

مشروط است به خاتمه می بریم  
او در مقایسه قانون اسلام با قوانین حاکم بر غرب می نویسد: «در غرب با وجود اینکه آب و هوا و وضع طبیعت هیچ کدام چنین رسمی - تعدد زوجات - را ایجاب نمی کند، با این حال وحدت همسر چیزی است که ما آن را فقط در کتابهای قانون می بینیم! و الا گمان نمی کنم که بشود انکار کرد که در معاشرت واقعی ما اثری از این رسم نیست، راستی من متحیرم و نمی دانم که تعدد زوجات مشروع و محدود شرق، از تعدد زوجات سالوسانه غرب چه چیز کم دارد؟ بلکه من می گویم که اولی از دومی بهتر و شایسته تر است.»<sup>(۲۵)</sup>

### ازدواج دریاچه ورود به برکات

اصل دیگری که در فرهنگ ازدواج مطرح است اینکه خداوند دریاچه روزی و برکات را در ازدواج قرار داده، و بهترین زینت های دنیا را که برای بندگانش تحصیل آن را مباح بلکه مستحب و گاه تأکید فراوان بر آن دارد، در سایه ازدواج برای زن و مرد حاصل می شود. بر این اساس قرآن صریحاً می فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ

بهتر است از اینکه دچار بی عدالتی گردید و در زندگی زناشویی به جاده انحراف از عدالت و ظلم و تبعیض بیفتید، حتی در تقسیم محبت که یک امر قلبی است توصیه ای حکیمانه می نماید به اینکه «فلا تمیلوا کُلَّ المیل فَنَذَرُهَا كَالْمُعَلَّقَةِ»<sup>(۲۳)</sup> اشاره به اینکه اگر در تمایلات قلبی گرایش شما به یکی بیشتر است این گرایش موجب نشود که در عمل و رفتار تان دچار بی عدالتی شوید و تمایل و گرایش شما به یکی از ازواجتان موجب گردد که دیگران را بلامتکلیف قرار دهید و نسبت به آنان وظایف لازم را به فراموشی سپارید.

در روایات اسلامی نکات بسیار قابل توجهی در این زمینه آمده که نقل بعضی از آنها خالی از فایده نمی باشد، خصوصاً با تبلیغات سویی که در این زمینه دشمنان مغرض و دوستان غافل می نمایند. در تفسیر تبیان نقل می شود که علی (ع) در آن روزی که متعلق به یکی از دو همسرش بود حتی وضوی خود را در خانه دیگری نمی گرفت و درباره پیامبر می خوانیم که حتی به هنگام بیماری در خانه یکی از همسران توقف نمی نمود، و درباره معاذ بن جبل نقل شده که دو همسر داشت که هر دو به بیماری طاعون با هم از این دنیا رفتند او حتی در مقدم داشتن دفن یکی بر دیگری، از قرعه استفاده می کرد تا کاری بر خلاف عدالت انجام نداده باشد. با دقت کافی در وضع قوانین و کیفیت جعل آن در اسلام، می بینیم که جامعیت این قوانین و فروع آن درست بر اساس نیازهای واقعی بشر و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی خاص در برخی از فرازهای زندگی اوست و اگر عده ای بعضی از قوانین را ملعبه دست خود قرار داده اند، دلیل نقص در جعل قوانین نیست.

چنانچه همان کسانی که با قانون تعدد زوجات در اسلام مخالفت می کنند خود به مواعی برمی خورند که نیاز جامعه خویش را به چنین قانونی به وضوح می بینند و به واسطه عدم کارایی قانونشان به معضل بر می خورند. مثلاً بعد از جنگ جهانی دوم در ممالک جنگ زده



بِاللهِ عَزَّ وَ جَلَّ» کسی که سنت حسنه ازدواج را به خاطر ترس از فقر ترک کند به خدا بدگمان شده است. زیرا خداوند در این آیه می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» اشاره به اینکه خداوند می‌فرماید: من می‌توانم در سایه فضل با ازدواج، آنها را بی‌نیاز گردانم ولی این شخص فکر می‌کند که این‌گونه نیست و در واقع دست قدرت خدا را غالب و قاهر نمی‌داند.

در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده که «الزُّنُقُ مَعَ النِّسَاءِ وَ الْعِيَالِ»<sup>(۳۷)</sup> روزی همراه با همسر و فرزند است. و در نقلی دیگر آمده که شخصی خدمت رسول گرامی اسلام آمد و از تهیدستی و نیازمندی خویش شکایت کرد. حضرتش فرمودند: «ازدواج کن»<sup>(۳۸)</sup> او بر این امر امتثال نمود و خداوند گشایش در کار او قرار داد.

در روایت دیگر از صادق آل پیامبر (ص) آمده که فرمودند: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»<sup>(۳۹)</sup>

## مصونیت از گناه

### در سایه ازدواج و سلامت جامعه

اصل دیگری که جزء اصول خانواده است و بر آن بسیار تکیه شده اینکه، ازدواج کلید حرکت به سوی پاکی و طهارت و موجب پیشگیری از بسیاری از مفاسد و شرور اجتماعی است، و اینکه در بسیاری از روایات آمده که «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخِرِ»<sup>(۴۰)</sup> اشاره به اینکه ازدواج مصونیتی را ایجاد می‌کند که به واسطه آن نصف دین حفظ می‌شود؛ و در بعضی روایات تا صیانت دو سوم دین را در گرو ازدواج قرار داده. لذا در نقلی از رسول خدا آمده که فرمودند: «هر کس در ابتدای سنین جوانی ازدواج کند شیطان فریاد می‌زند: «ای وای، ای وای دو سوم دین خود را از شر من حفظ کرد»<sup>(۴۱)</sup>

در خطاب دیگری فرمودند: «ای جوانها هر کدام که قدرت دارید همسر گزینید که چشمان شما کمتر

عبادتکم و امائکم ان یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله»<sup>(۳۶)</sup> در این آیه اولاً بنا بر اصل تعاون و همکاری در جامعه مسلمین، علاوه بر والدین به کسانی که می‌توانند مقدمات ازدواج جوانان و زنان و مردان بدون همسر را فراهم نمایند، امر می‌نماید که زمینه را برای ازدواج آنان فراهم نمایند.

بدین جهت در روایتی از امیر المؤمنین علیه السلام است که فرمودند: «بهترین شفاعت آن است که شما میان دو نفر برای ازدواج میانجیگری کنی تا این امر به سامان رسد و زن و مرد به واسطه ازدواج خانوادگی را تشکیل دهند»

ضمناً آیه اشاره دارد به اینکه قبل از ایجاد زمینه‌های مفسده، و وجود ارزشها و صلاحیتهای اخلاقی در جوانان آنان را به ازدواج در آورید، و نکته عمده در اینجا این است که می‌فرماید: نگرانی از مشکلات مالی و نبودن امکانات لازم و کافی شما را از این اقدام باز ندارد زیرا خداوند بی‌نیاز به

## ● در شریعت جامع و کامل اسلام قوانین

مربوط به خانه و خانواده در دو بخش

حقوق و وظایف، و اخلاق و فضایل به

گونه‌ای مبسوط و مشروح عرضه گردیده

است. در این تبیین و تشریح کلیه زوایا و

ابعاد زندگی مشترک زن و مرد بر اساس

حفظ و حاکمیت ارزشها و احترام متقابل

مورد توجه قرار گرفته است و در بعد

وظایف دستورات تلطیف و در بعد اخلاق

نکات ارزشمند تأکید می‌شوند.

واسطه ازدواج از فضل خویش آنان را مستغنی می‌سازد، چرا که او واسع و علیم است و از دریای بیکران فضل خود جوانی را که برای حفظ پاکدامنی ازدواج نماید بی‌نیازش می‌سازد.

لذا امام صادق درباره همین کلام نورانی حق فرمود: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِیجَ خَافَ الْفَقْرَ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ

گزارش از مطبوعات ایتالیا جلب نمایم:

امروز در آمریکا داشتن فرزندی در مدرسه، مانند داشتن فرزندی در جبهه جنگ است، فرزندی که در جبهه‌های بی رحم نبرد «جنسیتها» ناپدید شده باشد. - این سخن را از من - که دو فرزند پسر و دختر دارم، باور کنید. اگر فرزند، دختر باشد و اگر به آمارها معتقد باشیم، باید در این کابوس زندگی کنیم که دخترمان با خطر بسیار بالای مورد تجاوز و آزار قرار گرفتن از سوی رفقایش، دست و پنجه نرم می‌کند، یا اینکه با آموزگاران زیادی سر و کار دارد که در ازای نمرات خوب، از او جنسیتش را توقع دارند، طبق آمار اخیر سازمان زنان دانشگاهی - که شامل مدرسان زن هیأت علمی و دانشجویان دختر است - ۸۱٪ دختران آمریکایی که جهنم تحصیل را از کودکان تا دانشگاه را طی می‌کنند، دیر یا زود مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند.<sup>(۴۵)</sup>

اکنون در تقابل دو فرهنگ الهی و بشری توجه شما را به کلامی دیگر از معصوم در این زمینه معطوف می‌نمایم. امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی خدمت پدرم آمد، پس ایشان از او پرسیدند: آیا تو همسر داری؟ گفت: خیر.

پدرم فرمود: من دوست ندارم که تمامی دنیا و آنچه در آن است از برای من باشد ولی شبی را بسر ببرم بدون آنکه همسری داشته باشم، سپس فرمودند: ۲ رکعت نماز مرد زن دار بهتر است از مرد بدون همسری که روزها را روزه و شبها را شب زنده داری می‌کند، سپس پدرم به آن مرد ۷ دینار دادند و فرمودند: برو و به واسطه این پول تدارک ازدواج کن.<sup>(۴۶)</sup>

در این روایت همانگونه که مشاهده می‌شود چند نکته ارزشمند و مفید نهفته است:

۱- هیچ چیزی از دنیا به اندازه ازدواج برای انسان و کمال او مفید نیست و اگر محبوب‌ترین بنا در اسلام ازدواج است و مبعوض‌ترین حلالها طلاق، از جهت فواید و آثار معنوی و اخلاقی و خیر و برکاتی که در آن نهفته است، و اینکه سلامت فرد و

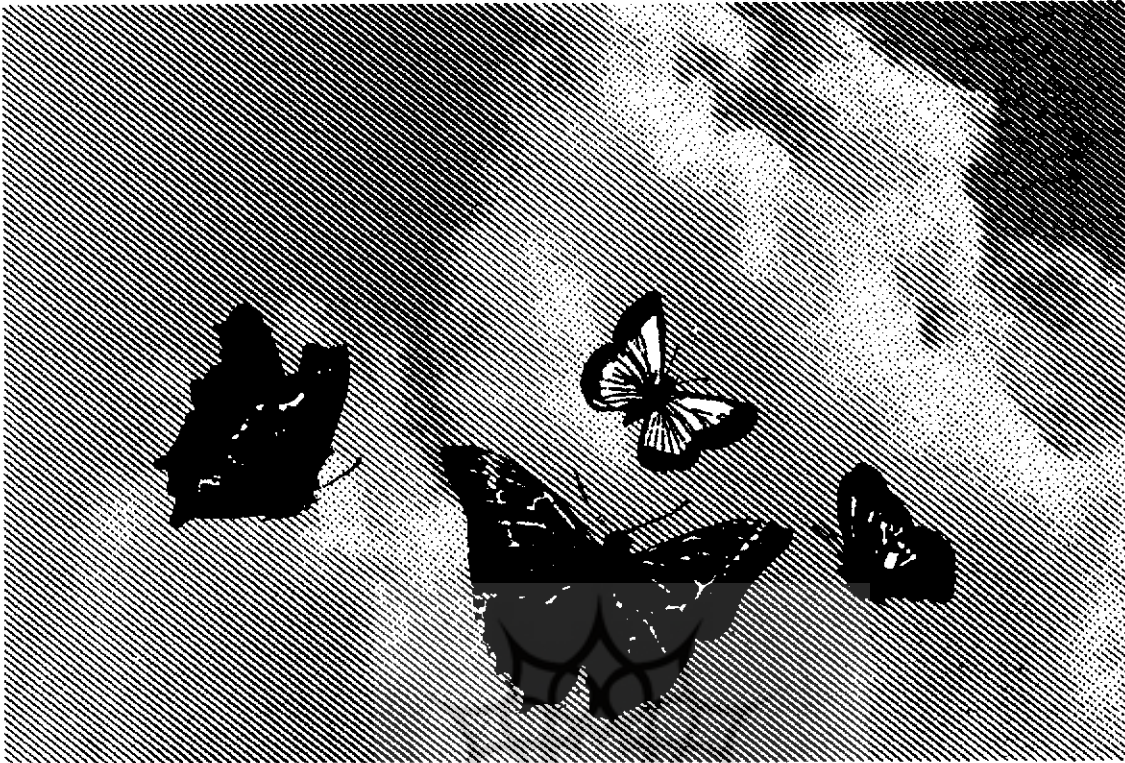
متوجه زنان نامحرم گردد و دامانتان پاک بماند.<sup>(۴۷)</sup>

بر این اساس از طرفی جوانان را به سنت حسنه ازدواج ترغیب، و آن را از روشهای پسندیده در زندگی انبیا می‌شمارد؛ و از سوی دیگر هر گونه التذاذ و تمتعی را در خارج فضای خانواده مطرود و محکوم به گناه و مفسده معرفی و آن را در قالب محرمات بیان می‌نماید. و این فرهنگ هم سلامت خانواده را تضمین و هم سلامت جامعه را تأمین می‌کند. اینجا است که عشق مفهوم دیگری پیدا می‌کند، و ایجاد علقه و ارتباط، جهتی مخالف با هوای نفس و ارضاء غرایز جنسی صرف دارد. در اینجا عشق به خانواده در طول عشق به خدا است، و آن تجلی عالیترین گرایش به سوی کمال مطلق است، اینجا عشق عامل تکامل است و عاشق وقتی در برابر معشوق حقیقی قرار می‌گیرد، رنگ می‌بازد، رضایتش رضایت معشوق است نه رضایت خویش.

و از آن جهت که سنتهای غلط حاکم بر جامعه دشواری‌هایی را در سر راه زندگی جوانان ایجاد می‌کنند، کراراً در کلمات معصومین تأکید بر تسهیل و ساده زیستی و دوری از تکلف در مسایل مربوط به ازدواج می‌نمایند؛ که از آن جمله اینکه پیامبر گرامی اسلام فرمودند: از نشانه‌های شوم بودن زن آن است که معونه و خرجش (یا هزینه ازدواجش) سنگین باشد<sup>(۴۸)</sup> و نیز فرمودند: «از نشانه‌های بد قدمی و شوم بودن زن است که مهریه‌ای سنگین داشته باشد»<sup>(۴۹)</sup>

اکنون از سویی به فرهنگ خود نظری کنیم و فواید آن را ارزیابی نماییم و از سوی دیگر به هیاهو و جنجالها و مفاسد و جرایم و بیماریهای روانی و جسمی که در کشورهای متمدن بشری امروز در اثر بی توجهی به این امور به چشم می‌خورد توجهی نماییم. تا رسالت خویش را در ساختن بنیانهای زندگی بیابیم و وظیفه خویش را در قبال نسل امروز در یابیم.

بد نیست اینجا توجه خواننده عزیز را به یک



## تشکیل ریشه‌های عدالت اجتماعی در خانواده

واصل دیگری که در اسلام بر آن بسیار تأکید می‌شود اینکه زمینه‌های عدالت و تقوای اجتماعی و کارآیی و مسئولیت‌پذیری در جامعه ریشه در روش‌های تربیتی و وراثتی و تحقق عدالت در خانه و خانواده دارد، و ماهیت شخصیت اجتماعی افراد متکی بر بافت خاصی است که در خانه شکل گرفته است.

بر این اساس می‌بینیم در واگذاری مسئولیتهای اجتماعی این مسأله مورد توجه عمیق بزرگان فرهنگ اسلام است، که مصداقی از آنان را در عهدنامه مالک اشتر در آیین حکومت داری مولی الموحدين بوضوح می‌بینیم، در فرازی از آن می‌فرماید: **ثُمَّ الصَّقْ بِذَوَى الْأَحْسَابِ وَ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ**: ای مالک با کسانی همنشینی کن که دارای خانواده‌های شریف هستند، و در خانه‌هایی پرورش یافته‌اند که صلاحیت و شایستگی را به همراه دارند و دارای سوابق نیکو

جامعه در گرو این ازدواج است.

۲- اگر جوان همه تلاش خود را در سازندگی و عروج به سوی کمالات بکار گیرد ولی ازدواج نکند باز هم در معرض خطر است و مصونیت از گناه برایش حاصل نمی‌گردد تا اینکه ازدواج کند، و قوی‌ترین اراده‌ها ممکن است در این وادی شکست بخورد.

۳- اینکه بهترین کمک به جوانان تدارک زمینه ازدواج آنان است و اینکه هم مسئولین حکومتی و هم سر بیان تربیتی و هم والدین اهتمام خود را در تسهیل و ترویج امر ازدواج به کار گیرند، تا سرمایه‌های اصلی جامعه با آرامش و طمأنینه‌ای که در سایه همسر گزینی و ازدواج به دست می‌آورند، بدون دغدغه‌ها و وسوسه‌ها در جامعه تلاش نمایند و هم خویشتن خویش و هم روان جامعه را از آلودگی مصون دارند. خصوصاً توجه به این مسأله برای جامعه کنونی ما امری لازم و ضروری است، جامعه‌ای که قشر غالب آن را جوان تشکیل می‌دهد، و بهترین پاسخگویی به نیاز آنان اهتمام به این مسأله است.

می‌باشند<sup>(۳۷)</sup>

در کلامی دیگر می‌فرماید: «إِذَا كَرَّمَ أَصْلُ الرَّجُلِ كَرَّمَ مَغِيَّهُ وَ مَحْضَرُهُ»<sup>(۳۸)</sup> اگر انسان از جهت اصل و ریشه کرامت داشت این کرامت و ارزشمندی را در خفا و عیان خواهد نمود.

و در کلامی دیگر می‌فرماید: حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ «سجایای اخلاقی دلیل پاکی وراثت و وجود ارزشها و کرامتها در نسل است.

و آنچه راکه علم ژنتیک و روان‌شناسی امروز به الفبای آن در این زمینه رسیده‌اند، در کلمات معصومین که برخاسته از چشمه سار علم بی‌منتهای الهی است ریشه‌ها و اصول آن کاملاً مشهود است. در روایات بسیار به لفظ «عرق» برمی‌خوریم که این اصطلاح مترادف همان چیزی است که امروز در زیست‌شناسی به عنوان «ژن» نامیده می‌شود و عامل انتقال همه صفات و مشخصات خَلْقی و خُلُقی است مثلاً در کلامی از معصوم می‌فرماید: «انظر فی ایّ شیءٍ تَضَعُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَاسٌ»<sup>(۳۹)</sup> اشاره به اینکه «بنگر ببین خود را در گرو همسری چه کسی قرار می‌دهی که تمام آثار به گونه‌ای نهفته انتقال می‌یابد» اینجا است که ریشه‌های شکل‌گیری هویت اجتماعی و کیفیت ساختار آن را باید در هویت خانواده جستجو نمود.

بر این اساس تحقق همه ارزشها در جامعه و از آن جمله عدالت اجتماعی که محور عمده دعوت انبیا را به خود اختصاص می‌دهد، و قرآن کریم ارسال رسل و انزال کتب را به سبب «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» معرفی می‌نماید، همه و همه از خانواده سرچشمه می‌گیرد. لذا در بحثهای قرآنی و روایی جان کلام در روابط زوجین، دوری از هر گونه تعدی و تفریط و اعمال جور و تمایلات نفسانی است، و حتی تمسک به اصل «معروف» در آیات متعدد قرآنی در مباحث خانواده برای تحقق عدالت در خانواده است.

مفسر بزرگ علامه طباطبایی در تفسیر کلمه «معروف» می‌فرماید: «معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل و حکم شرع و فضیلت و محاسن خلق نیکو و سنتهای حسنه در آداب است،

و چون اسلام شریعتی است که بر اساس فطرت و بنای خلقت است، پس معروف در نزد قانونگذار چیزی است که مردم آن را می‌شناسند (و نیکو می‌دانند) مادامی که بر مسلک فطرت زندگی می‌کنند، و بر مبنای خلقت از تعدی و بی‌عدالتی دوری می‌جویند، و از احکام اجتماعی که مبتنی بر فطرت است؛ این است که افراد جامعه مساوی در حکم باشند و همه از حقوقی یکسان بهره‌جویند و آنچه بر ضرر آنان است به مانند آنچه می‌باشد که به نفع ایشان است، مگر اینکه این تساوی با لحاظ مسئولیتها و حفظ جایگاه هر یک از افراد در جامعه است و نیز این تساوی به گونه‌ای است که بتواند اثر لازم را در شئون مختلف حیات و کمال آن داشته باشد.<sup>(۵۰)</sup>

و نیز تمسک به کلیه اصول قرآنی که برای خانواده وضع گردیده در راستای رسیدن به عدالت و توازن در خانواده است لذا گاه به صورت اصل تراضی و مشورت در «عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ»<sup>(۵۱)</sup> گاه به صورت اصل نفی ضرر و ضرار در «لَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَاراً لِيَتَعْتَدُوا»<sup>(۵۲)</sup> و گاه به صورت سایر اصولی که قبلاً متذکر شدیم و یا به صورت اوامر و نواهی دیگر و در قالب دستورات اخلاقی بر آن تکیه می‌نماید.

به علاوه اینکه چون قرآن کریم از سویی نظر به تحکیم و استواری بنای خانواده دارد، و نیز زوجین را به منزله روح واحدی حاکم بر آن می‌داند و از سوی دیگر روابط افراد را در این کانون بر اساس عدالت می‌پسندد، لذا در این باب انسان را به نکته‌ای هشدار می‌دهد که در سایر فرهنگها مورد توجه قرار نگرفته، و آن اینکه: اگر کسی در زندگی مشترک خویش نسبت به همسرش راه ظلم و تعدی را در پیش گرفت او در مرحله اول به خود ظلم روا داشته و با دست خویش جهنمی ساخته که خود او

هم در آتش آن پیوسته می‌سوزد و این تعدی به مثابه استهزاء و تمسخر آیات حق است، زیرا زوج با رفتار ظالمانه خویش حدود خدا را نادیده گرفته، اینجاست که می‌فرماید: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ



نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا<sup>(۵۳)</sup>» و در آیه‌ای دیگر بعد از تبیین یک سلسله احکام مربوط به زوجه و توصیه به رعایت حقوق و اعتدال می‌فرماید: «تَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ<sup>(۵۴)</sup>» این قوانین حدود خداست که از آن نباید تجاوز نمود و هر کس که راه تعدی در پیش گیرد، او در بارگاه ربوبی ظالم محسوب می‌شود.

بدین جهت در غالب آیاتی که در قرآن کریم حقوق و وظایف زوجین را تبیین می‌کند از جهت حفظ کرامتها و شئون انسانی، رعایت احترام و حرمت متقابل، رفتار شایسته و معروف، استیفای حقوق، حفظ ارزشهای اخلاقی، و سایر مصالحی که تک تک افراد را تحت الشعاع قرار می‌دهد، توصیه به تقوی بیش از هر چیز به چشم می‌خورد، و رعایت جهات مذکور به حدی است که حتی در آیات مربوط به طلاق بیشترین توصیه‌ها را نسبت به رعایت اصول و ضوابط انسانی و حفظ ارزشها به وضوح می‌بینیم. و از آن جهت که در این گونه موارد، زمینه خصومتها و اختلافات تشدید می‌شود سفارش بر مسایل اخلاقی و رعایت اعتدال و دوری از تعصب و عناد بیشتر به چشم می‌خورد. لذا در سوره طلاق که به ظاهر سوره کوتاهی با ۱۲ آیه به نظر می‌رسد، در خلال بیان ۱۵ حکم فقهی مربوط به خانواده بیشترین توصیه به تقوی و رعایت اصول اخلاقی در بهترین صورتهای و تکان دهنده‌ترین قالبها وارد گردیده، و تأکید بر حفظ احترام و اعتدال و امر به سازش و مشورت و نفی هر گونه ضرر و مزیقه از مختصات این سوره است. توجه به فلسفه بعضی از احکام وارده در این سوره، مبین دقت و عنایت خاص اسلام به تقویت خانه و خانواده است. و ما در اینجا فقط به ذکر یک آیه کفایت نموده و به واسطه گستردگی مطالب این سوره بقیه را به بحثهای بعدی موکول می‌نماییم.

زنان خویش را در ایام عده از خانه بیرون نکنید و نیز زن هم نباید تا پایان عده از خانه مسکونیش بیرون برود و حق اسکان و نفقه او محفوظ است و در این مدت شوهر نمی‌تواند نسبت به استیفای حقوق او کوتاهی نماید؛ و یا او را مورد اذیت و آزار قرار دهد، تا او از حقوق خود صرف نظر کند، مگر اینکه زن در دوران عده مرتکب عمل زشت و نامشروعی گردد که در صورت ثبوت، حق اسکان و نفقه ساقط می‌گردد. سپس به تحکیم این حکم و تبیین فلسفه آن می‌پردازد و می‌فرماید: «این دستورات حدود الهی هستند - که نباید از آن عدول کرد - و اگر کسی مخالف آن عمل کند ابتدا به خود ظلم کرده قبل از آنکه به دیگری ظلم رساند، چرا که قوانین الهی ضامن مصالح خود مکلفین است و

در اولین آیه از این سوره بعد از وجوب عده طلاق می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» تقوای الهی را پیشه سازید، و هیچ گاه همسران و

- ۱۱- خداوند میان شما دوستی و مهربانی را حاکم کرد. - روم - ۲۱
- ۱۲- بقره - ۲۸۸
- ۱۳- نساء - ۱۹
- ۱۴- طلاق - ۵
- ۱۵- بقره - ۲۳۲
- ۱۶- بقره - ۲۲۹
- ۱۷- بقره - ۲۳۷
- ۱۸- بقره - ۲۳۷
- ۱۹- نساء - ۱۲۸
- ۲۰- الاعراف - ۵۸
- ۲۱- نور - ۲۶
- ۲۲- نساء - ۱۲۸
- ۲۳- نساء - ۱۲۸
- ۲۴- نساء - ۱۹
- ۲۵- روزنامه ایران: ۷۷/۱۲/۹
- ۲۶- هـ و آخِرُنْ مِنْكُمْ مِثْقَاً غَلِيظًا نساء - ۲۱
- ۲۷- قاموس قرآن ج ۱۸۰/۷ و ۱۸۱
- ۲۸- نهج الفصاحة: صفحه ۱۳۷
- ۲۹- وسائل الشیعه باب جهاد
- ۳۰- نساء - ۲۴
- ۳۱- مستدرک الوسائل ج ۲۴۵/۲
- ۳۲- نساء - ۲۱
- ۳۳- نساء - ۳
- ۳۴- نساء - ۱۲۹
- ۳۵- تاریخ تمدن اسلام و عرب - ترجمه فخر کیلانی - صفحه ۵۰۹
- ۳۶- سوره نور آیه ۳۲
- ۳۷- تفسیر نورالثقلین جلد ۳ صفحه ۵۹۵
- ۳۸- وسائل الشیعه - جلد ۱۴ - صفحه ۲۵
- ۳۹- متن لا یحضره الفقیه - جلد ۵ - صفحه ۱۲ - تصحیح استاد علی اکبر غفاری
- ۴۰- وسائل الشیعه - جلد ۱۴ - صفحه ۵ - ابواب مقدمات نکاح
- ۴۱- ازدواج در اسلام - صفحه ۱۸ - آیت الله مشکینی
- ۴۲- وسائل الشیعه - جلد ۱۴ - باب ۱ از ابواب مقدمات نکاح
- ۴۳- مجمع البیان ذیل آیه ۳۱ سوره نور
- ۴۴- مجمع البیان ذیل آیه ۳۱ سوره نور
- ۴۵- لاریوبلیکا - ایتالیا - ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶
- ۴۶- وسائل الشیعه - جلد ۱۴ - باب ۱ - از ابواب مقدمات نکاح
- ۴۷- نهج البلاغه فیض الاسلام نامه ۵۳ قراقرز ۲۵
- ۴۸- غرر الحکم صفحه ۳۲۷
- ۴۹- مستطرف ج ۲۱۸/۲
- ۵۰- تفسیر المیزان جلد ۲ صفحه
- ۵۱- بقره - آیه ۲۳۳
- ۵۲- بقره - آیه ۲۳۱
- ۵۳- همان مرجع
- ۵۴- بقره - آیه ۲۲۹
- ۵۵- تفسیر نور الثقلین جلد ۵ صفحه ۳۵۲

تجاوز از آن سعادت خود او را تباه می سازد. و بعد از این توصیه ها می فرماید: «لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» گو نمی دانی شاید خداوند بعد از این ماجرا وضع تازه و وسیله اصلاحی را فراهم سازد. اشاره به اینکه اولاً باید عده طلاق حفظ شود، ثانیاً در ایام عده زن از خانه مسکونی بیرون نرود و مرد هم او را بیرون نکند و هر دو رعایت تقوی و مصالح زندگی را بنمایند، و در احترام و ایفای حقوق یکدیگر کوتاهی ننمایند. از این جهت که زمینه ای برای رجوع و اصلاح ایجاد شود و کانون خانواده از هم پاشیده نشود و اتحاد زوجین به جدایی مبدل نشود.

جالب اینکه در روایتی از امام باقر علیه السلام است که می فرماید: زن مطلقه می تواند در دوران عده آرایش کند؛ سرمه در چشم و موها را رنگین، و خود را معطر، و لباس مورد علاقه خویش را بپوشد زیرا خداوند می فرماید: «لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (۵۵) شاید هیجانها و طوفانهای خشم و غضب جای خود را به مصلحت اندیشی دهد و زن و مرد از حوادث قبلی پشیمان و زندگی را دوباره سر و سامان دهند و از طلاق که میغوض ترین حلالها است، بپرهیزند در شماره آتی به حول و قوه الهی بحث را در زمینه حقوق و وظایف متقابل زوجین و نشوز از آن ادامه خواهیم داد.

#### یادداشت ها:

- ۱- هود - ۷۲
- ۲- صافات - ۱۱۲
- ۳- هود - ۷۴
- ۴- احزاب - ۳۳
- ۵- جواهر الكلام - جلد ۳۱ - صفحه ۲۰۱
- ۶- اعراف - ۱۵۲
- ۷- الرحمن - ۷ - ۸
- ۸- «مردان قیام بر امور زنان دارند» نساء - ۳۴
- ۹- «ای اهل ایمان در استقرار عدالت کوشا باشید.» نساء - ۳۴
- ۱۰- «ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را دسته دسته و قبیله قبیله کردیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست.» حجرات - ۱۲